خراسان روزنامه صبح ایران
پنجشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۵ . ۳ رمضان ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۷۵

خواب آلودگی و خستگی اصلی ترین دلیل تصادفات کرمان

توکلی-خستگی و خواب آلودگی یکی از عوامل اصلی تصادفات دلخراش در جاده‌های استان کرمان است. رئیس پلیس راه استان کرمان گفت: بررسی تصادفات نشان داده تعدادزیادی از رانندگانی که دچار سوانح رانندگی شده‌اند، به‌مدت طولانی وبدون استراحت در حال رانندگی بوده‌اند. سرهنگ نجفی افزود: ۵۵ درصد تصادفات منجر به فوت استان مربوط به حوادث واژگونی و خروج از جاده است و ریشه عمده این حوادث را کارشناسان خستگی و خواب آلودگی رانندگان عنوان کرده‌اند.

خط زرد

(۸) قسمت پایانی

رعایت نکات امنیتی در شبکه های اجتماعی

مرور گر خود را به‌روز نگه دارید

نرم‌افزار خود را به‌روز نگه دارید تا هکرها نتوانند از طریق ضعف های امنیتی به شما ضربه بزنند. بسیاری از سیستم عامل ها امکان به‌روز رسانی خودکار را دارند؛ بهتر است آن را فعال کنید. **پایگاه خبری پلیس**

حادثه در قاب

مرگ راننده خاور در تصادف با کامیون بنز دوشنبه در تبریز

از میان خبرها

از سوی معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور ناجا علت حریق وانت آریسان تشریح شد

تولید کننده مقصر حادثه سوختن ۲ کودک

معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور ناجا، علت تامه حادثه حریق یک دستگاه وانت آریسان در محور آرادان - سرخه استان سمنان را محتل و برای مدتی آن را تعطیل کرد. به گزارش انتخاب سه شنبه شب گذشته مجتمع کوروش تهران با یک اتفاق غیرمنتظره مواجه شد. مجتمع کوروش در غرب تهران و در کنار اتوبان ستاری قرار دارد. عده ای از جوانان و دانش آموزان دبیرستانی در شبکه های اجتماعی به ویژه تلگرام قرار گذاشته بودند که پس از برگزاری آخرین امتحان تحصیلی در بوستانی در غرب تهران تجمع کنند و پایان سال تحصیلی خود را جشن بگیرند. گویا با حضور و تذکر پلیس به آنها، در نهایت جمعیت متفرق شده اند. بنا بر این گزارش چند سایت دیگر هم داستان را بازتاب داده اند که منبع اصلی بیشترشان توییتر است. یکی

قرار تلگرامی، پاساژ کوروش را به تعطیلی کشاند

قرار تلگرامی تعدادی از جوانان و نوجوانان دبیرستانی در تهران فعالیت پاساژ کوروش را مختل و برای مدتی آن را تعطیل کرد. به گزارش انتخاب سه شنبه شب گذشته مجتمع کوروش تهران با یک اتفاق غیرمنتظره مواجه شد. مجتمع کوروش در غرب تهران و در کنار اتوبان ستاری قرار دارد. عده ای از جوانان و دانش آموزان دبیرستانی در شبکه های اجتماعی به ویژه تلگرام قرار گذاشته بودند که پس از برگزاری آخرین امتحان تحصیلی در بوستانی در غرب تهران تجمع کنند و پایان سال تحصیلی خود را جشن بگیرند. گویا با حضور و تذکر پلیس به آنها، در نهایت جمعیت متفرق شده اند. بنا بر این گزارش چند سایت دیگر هم داستان را بازتاب داده اند که منبع اصلی بیشترشان توییتر است. یکی از این سایت ها می نویسد، ماجرا حتی موجب بسته شدن پاساژ بزرگ کوروش شده است. درباره تعداد افراد و جمعیت حاضر در این قرار دسته جمعی روایت ها مختلف است؛ بعضی ها از «ده ها نوجوان» یاد می کنند و بعضی دیگر معتقدند جمعیت تا سه چهار هزار نفر رسیده بود. همچنین گزارش هایی تایید نشده در مورد بروز درگیری در محل وجود دارد. مثلث آنلاین نیز با اشاره به اینکه دهه هشتادی های تهران در گروه های تلگرامی و صفحات اینستاگرامی با یکدیگر قرار گذاشته بودند تا در مقابل این مجتمع تجمع کنند و یک گردهمایی را برگزار کنند نوشت: قرار تلگرامی جوانان دهه هشتادی که زیر بیست سال هستند از زوایای مختلفی قابل بررسی است خصوصاً اینکه این افراد با توجه به ابزارهای جدید ارتباطی به راحتی یکدیگر را پیدا کرده و قادر به برگزاری چنین تجمعاتی هستند. خبرهای موجود حاکی از این است که این تجمع توسط نیروهای انتظامی کنترل و هدایت شد. اگرچه در گوشه هایی شاهد درگیری هایی میان این نوجوانان بودیم.

در یکی از فیلم هایی که از این گردهمایی منتشر شده است گروهی از جوان ها با گروهی دیگر درگیری فیزیکی پیدا می کنند و در این میان چند دختر مورد خشونت قرار می گیرند. در عین حال این قرار تلگرامی بازتاب گسترده ای نیز در شبکه های اجتماعی داشت و برخی کاربران با دادن رنگ و لعاب امنیتی آن را ادامه مسائلی چون قرارهای گروهی «خزبازی» و «آب بازی» دانستند اما یک کاربر دیگر معتقد است: یکی از مشکلات جامعه

کمبود مراکز تفریحی هست، برای همین مراکز خرید لوکس به جای مراکز تفریحی جایگزین می شود. کانال تلگرامی قرارگاه عمار نیز برخی حاضران را متهم به روزه خواری کرد.

زن جوان در بازسازی صحنه جنایت عنوان کرد:

قتل هوو در پی کینه توزی

سید خلیل سجادپور- او در خانه ای زندگی می کرد که سند آن به نام من بود اما همواره جوانی اش را به رخم می کشید و خودش را سوگلی همه مامی دانست...

اینها بخشی از اظهارات زن ۳۸ ساله ای است که روز گذشته در بازسازی صحنه قتل هوویش عنوان کرد. این زن پس از وقوع جنایت و با طرح نقشه ای حساب شده، قصد داشت ارتکاب قتل را به گردن همسرش بیندازد اما وقتی در برابر سوالات تخصصی کارآگاهان ورزیده پلیس آگاهی خراسان رضوی و قاضی ویژه قتل عمد قرار گرفت به ناچار لب به اعتراف گشود و از این جنایت را فاش کرد. او پس از معرفی کامل خود در برابر دوربین قوه قضاییه ایستاد و گفت: مقتول ۲۴ ساله بود و حدود ۲ سال قبل زن سوم شوهر من شد. با آن که سند ساختمان ۳ طبقه محل وقوع قتل به نام من ثبت شده است اما اجازه دادم او در طبقه سوم ساکن شود و زندگی کند. چند هفته اول مشکلی وجود نداشت و من همه کارهای او را هم انجام می دادم حتی برایش خرید می کردم، هنگام بیماری او را به مرکز درمانی می بردم ولی کم کم پررو شد و به من فحاشی می کرد. او جوانی اش را به رخم می کشید و مرا زنی ترشیده می خواند که ۶ فرزند به دنیا آورده ام!! او معتقد بود که سوگلی همسرم است و... به همین دلیل هم من کم کم کینه او را به دل گرفتم تا این که شب قبل از وقوع حادثه یکی از دوستان همسرم مهمان او شد و شب را در طبقه پایین منزل به سر بردند این در حالی بود که آن شب هوویم (مقتول) پیامک های توهین آمیز برایم ارسال می کرد. صبح روز حادثه به همسرم پیامک دادم که جلوی زن سومش را بگیرد که به من و فرزندانم توهین نکند اما او هم از مقتول طرفداری می کرد. متهم این پرونده جنایی ادامه داد: زن اول شوهرم در زابل سکونت دارد اما او بچه دار نمی شد به همین دلیل هم شوهرم با من ازدواج کرد که من ۶ فرزند به دنیا آوردم ولی او باز هم زن دیگری گرفت. آن روز صبح وقتی فرزندم را به مدرسه بردم دیدم همسرم و دوستش از خانه خارج شدند هوویم نیز در طبقه سوم خواب بود که من از پله ها بالا رفتم پسر ۶ ماهه او نیز داخل گهواره بود. پشت سر هوویم قرار گرفتم و با او جر و بحث کردم که چرا این کارها را می کند! کینه عمیقی از او در دلم نشسته بود ولی او باز هم به من توهین کرد که دیگر عصبانی شدم و چیزی نفهمیدم بند قنداق فرزندش را از کنار گهواره برداشتم و دور گلویش پیچیدم. سعی کرد خودش را نجات بدهد اما او را که روی رختخواب نشسته بود روی زمین انداختم و یک دور دیگر بند قنداق را دور گلویش پیچاندم و دو سر آن را کشیدم وقتی مطمئن شدم که دیگر نفس نمی کشد نوزاد ۶ ماهه را با شیشه شیرش برداشتم و به طبقه پایین رفتم. نوزاد را به دخترم سپردم که از اونگهداری کند و خودم به مدرسه رفتم تا فرزند دیگرم را باز گردانم. این در حالی بود که در بین راه نقشه می کشیدم تا از این ماجرا خلاص شوم این بود که با همسرم تماس گرفتم و به او گفتم که هوویم را کشته ام ولی او گفت: هر کاری که کرده ای خودت هم برو جواب بده! می دانستم او همسر سومش را دوست دارد و از من طرفداری نمی کند از سوی دیگر هم می دانستم او در پرونده نزاع منجر به قتل در زابل تحت تعقیب است به همین خاطر فکر کردم که قتل هوویم را به گردن شوهرم بیندازم. خیلی سریع از پله ها بالا رفتم و شیشه شیر و بند قنداق را کنار جسد گذاشتم. همسرم که می دانست اگر باز گردد توسط پلیس دستگیر می شود به تلفن هایم پاسخ نمی داد من هم از این موضوع سوءاستفاده کردم و با یک صحنه سازی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم. گزارش خراسان حاکی است: پس از اعترافات صریح متهم، قاضی علی اکبر احمدی نژاد دستور پایان بازسازی صحنه قتل را صادر کرد و بدین ترتیب متهم این پرونده جنایی با صدور قرار قانونی از سوی مقام قضایی روانه زندان شد تا پرونده وی دیگر مراحل قضایی خود را طی کند. شایان ذکر است: در آغاز بازسازی صحنه قتل که سرهنگ محمدی (رئیس دایره قتل پلیس آگاهی) نیز حضور داشت ابتدا کارآگاه حمیدفر (افسر پرونده) به بیان چگونگی دستگیری متهم پرداخت و گفت: عصر بیست و سوم فروردین زنی با پلیس تماس گرفت و از قتل هوویش در پنجتن ۴۵ خبر داد. وی گفت: زن تماس گیرنده که همسر دوم مرد ۳۴ ساله بود در حالی که خونسردی خود را به طور کامل حفظ می کرد کنار جسد هوویش ایستاد و گفت: شب گذشته همسر و هوویم بر سر خرید مبل منزل با یکدیگر جر و بحث می کردند و اختلاف داشتند صبح که من فرزندم را به مدرسه بردم و برگشتم دیدم خودروی همسرم نیست حدود ساعت ۳ بعدازظهر با صدای گریه نوزاد به طبقه سوم ساختمان رفتم که با جسد هوویم روبه رو شدم. کارآگاه حمیدفر ادامه داد: با آن که همه مشخصات صحنه حادثه با اظهارات متهم مطابقت داشت اما این سوال که صدای گریه های نوزاد ۶ ماهه چگونه در طبقه پایین منزل شنیده شده است، تنها سرنخ این پرونده جنایی بود که متهم را وادار به تناقض گویی کرد و در نهایت چند روز بعد زن ۳۴ ساله مجبور شد تا به قتل هوویش با انگیزه کینه توزی اعتراف کند.

میوه دزدی با سانتافه!

عقیل رحمانی- زن سارقی که همراه شوهرش سوار بر خودروی سانتافه دست به سرقت از میوه فروشی های سطح شهر مشهد می زد دستگیر شد و مرد سارق نیز تحت تعقیب قرار گرفت. به گزارش خراسان، ماجرای سرقت های زن و شوهر سانتافه سوار این گونه بود که آن ها با مراجعه به میوه فروشی های سطح شهر مشهد، انواع میوه های گران قیمت را سفارش می دادند و پس از آن، از مغازه دار می خواستند اقلام خریداری شده را برایشان به داخل خودرو منتقل کند در حالی که زن سارق هم داخل خودرو با موتور روشن می نشست. در ادامه سارقان شیک پوش دوباره سفارش میوه ای دیگر را می دادند و تا مغازه دار سرگرم فراهم کردن آخرین سفارش آن ها می شد مرد سارق پا به فرار می گذاشت و پشت فرمان می پرید و از محل دور می شد.

این گزارش حاکی است در یکی از سرقت ها، سارقان با روش مذکور ششصد و پنجاه هزار تومان میوه را سرقت کرده و از محل متواری شده بودند. پس از آن که تعدادی از مالباختگان با حضور در دادسرا شکایت خود را مطرح کردند محمد علی زاده بازپرس شعبه ۲۱۳ دادسرای مشهد، دستور شناسایی سارقان را صادر کرد و پلیس در ادامه توانست مالک خودرو را شناسایی کند. مالک خودرو در حالی که در تحقیقات پلیسی قصد داشت حقیقت را کتمان کند اعتراف کرد که خودرو اش را در اختیار یک زن و شوهر قرار داده است. با مشخص شدن هویت سارقان به سرعت زن جوان هم شناسایی و دستگیر شد، اما همسر متهم متواری است که تحت تعقیب قرار گرفت. با دستگیری زن جوان چندین نفر از میوه فروشان که طعمه سرقت آن ها شده بودند زن جوان را مورد شناسایی قرار دادند.

معاون دادستان مشهد تشریح کرد:

عملیات نفوذی پلیس در باند مسلحانه مواد مخدر

سجادپور- معاون دادستان مشهد از متلاشی شدن باند مسلحانه توزیع گسترده مواد مخدر در عملیات نفوذی پلیس اطلاعات و امنیت خراسان رضوی خبر داد. قاضی حیدری در گفت و گوی اختصاصی با خراسان گفت: مدتی قبل مأموران پلیس اطلاعات و امنیت خراسان رضوی از طریق منابع و مخبران محلی به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می داد اعضای یک باند به صورت گسترده در امر تهیه و توزیع مواد مخدر فعالیت دارند.

وی افزود: ادامه بررسی ها نشان می داد: سرکردگان باند مواد مخدر را از استان های جنوبی به مشهد وارد می کنند و از طریق زنی که از اعضای باند است، به فروش می رسانند. این مقام قضایی اضافه کرد: مأموران انتظامی با صدور دستورات قضایی و به عنوان «خریدار مواد مخدر» وارد این باند شدند اما چون اعضای باند در ابتدا به خریداران اعتماد نمی کردند، مأموران تصمیم گرفتند تا برای شناسایی اعضای اصلی باند، مقدار کمی مواد مخدر در حد ۵ کیلوگرم را از آنان خریداری کنند. قاضی حیدری تصریح کرد: روز گذشته مأموران نفوذی پلیس مبلغ خرید ۲ کیلوگرم تریاک را به زن فروشنده پرداخت کردند و مقرر شد ۳ کیلوگرم دیگر را افراد دیگری که لباس بلوچی به تن دارند تحویل بدهند.

وی خاطرنشان کرد: چند ساعت بعد و در حالی که مأموران در پوشش های مختلف منطقه ای را در بولوار رسالت به محاصره در آورده بودند، خودرو زانتیا با ۲ سرنشین وارد کمین نیروهای نفوذی شد اما آن ها هنگامی که قصد داشتند مواد مخدر را به زن مذکور تحویل بدهند به اوضاع مشکوک شدند و قصد فرار از صحنه حادثه را داشتند که با خودروی پلیس رو به رو شدند اما سرنشینان زانتیا برای فرار از چنگ قانون زانتیا را محکم به خودروی پلیس کوبیدند تا راه فرار خود را باز کنند ولی مأموران در یک عملیات هماهنگ ۲ سرنشین زانتیا و زن جوان را دستگیر کردند. سرپرست دادسرای انقلاب اسلامی مشهد در ادامه افزود: در بازرسی از منزل متهمان یک قبضه سلاح، آلات و ادوات توزین و استعمال مواد مخدر، به همراه مقادیری هروئین و یک کیلوگرم دیگر تریاک کشف و ضبط شد. این در حالی است که عملیات پلیس برای دستگیری دیگر افراد مرتبط با این باند مسلحانه همچنان ادامه دارد.

قاتل: همسرم دائم در «تلگرام» سرگرم بود

از حدود ۲ سال قبل متوجه حضور نیلوفر در کلاس های عرفان شدم و از همان زمان وی در کانال های مختلف تلگرامی عضو شده بود؛ زمانی که مطمئن شدم همسر و پسرم در خواب هستند، به آشپزخانه رفتم و چاقویی را برداشتم و بالای سر همسرم حاضر شدم...

به گزارش تسنیم ساعت ۶ بامداد روز گذشته پسر جوانی با اورژانس تماس گرفت و اظهار داشت مادرش نیلوفر با ضربات چاقو مجروح شده و نیاز به کمک دارد، دقایقی بعد مأموران اورژانس او را در حالی که غرق در خون بود، به بیمارستان هفت تیر منتقل کردند اما وی به دلیل شدت جراحات، جان خود را از دست داد. دقایقی از قتل نیلوفر نگذشته بود که شوهر ۵۰ ساله وی در کلانتری نازی آباد حاضر شد و خودش را عامل این جنایت معرفی کرد؛ و مدعی شد که سابقه بستری در بیمارستان را دارد و از بیماری اعصاب و روان رنج می برد به همین دلیل وی به دستور بازپرس امور جنایی تهران به کارشناسان پزشکی قانونی معرفی شد اما در بررسی اولیه جنون وی محرز نشد. پیش از ظهر روز گذشته شوهر نیلوفر به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و درباره علت و نحوه قتل همسرش به بازپرس گفت: نیلوفر دختر خاله ام بود، دو پسر و یک دختر دارم که فقط یکی از پسرانم مجرد و ازدواج نکرده است، خودم نیز بازنشسته آموزش و پرورش هستم؛ از حدود دو سال قبل متوجه حضور نیلوفر در کلاس های عرفان شدم و از همان زمان وی در کانال های مختلف تلگرامی عضو شده بود و چت می کرد، شبها داخل اتاق می رفت و تا دیروقت در تلگرام بود؛ من نیلوفر را دوست داشتم اما او با من بدرفتاری می کرد و قصد داشت طلاق بگیرد. سه شنبه زمانی که به خانه آمدم، پسرم در منزل اما نیلوفر خارج از خانه بود، پسرم ساعت ۷ بعد از ظهر از خانه خارج شد و به محل کارش رفت، حدود ساعت ۱۰ شب نیلوفر به خانه آمد و باز به اتاق رفت و تا نزدیک ساعت ۳ صبح مشغول چت کردن بود تا این که پسرم حوالی ساعت ۳ بامداد به خانه برگشت و به اتاقش رفت و خوابید، نیلوفر نیز سرانجام خوابید به طوری که حدود ۵:۳۰ بامداد متوجه شدم هر دوی آنها خواب هستند.

شوهر نیلوفر لحظات وقوع قتل همسرش را این گونه شرح داد: زمانی که مطمئن شدم نیلوفر و پسرم در خواب هستند، به آشپزخانه رفتم و چاقویی را برداشتم، بالای سر همسرم حاضر شدم و با چاقو ضربه ای به قلبش زدم که وی جیغ و داد کشید و پسرم از خواب بلند شد در این حین با چاقو چند ضربه دیگر به دست و شکم نیلوفر زدم و از خانه بیرون رفتم، در کوچه منتظر بودم تا اورژانس برسد که بعد از انتقال همسرم به بیمارستان به کلانتری رفتم و خودم را معرفی کردم.

پس از اعتراف شوهر نیلوفر به قتل، وی به دستور قاضی احمد بیگی؛ بازپرس ویژه قتل پایتخت دستگیر شد و برای ادامه تحقیقات در اختیار مأموران اداره آگاهی قرار گرفت.

در امتداد تاریخی

قربانی بدبینی و طلاق!

برای آن که عقده هایمان را خالی و یکدیگر را تحقیر کنیم از هیچ نوع تهمتی چشم پوشی نکردیم. کارمان به جایی رسیده بود که انواع دروغ های کوچک و بزرگ را سر هم می کردیم تا طرف مقابل را به زانو درآوریم. اگر چه...

مرد ۴۵ ساله در حالی که بغض گلویش را می فشرد و همه تلاش ها برای نجات دخترش از منجلاب فساد را بی نتیجه می دید به کارشناس اجتماعی کلانتری طبرسی جنوبی مشهد گفت: دیگر به پایان خط رسیده ام و به اشتباهی که همه زندگی ام را نابود کرد اعتراف می کنم. غرور بی جا و خود بزرگ بینی در زندگی مشترک مرا به جایی رساند که روزی کلمه «طلاق» را بر زبان راندم و این گونه با زندگی چندین نفر بازی کردم. درست ۵ سال قبل بود که شیطان هوس در زندگی من و «سحرناز» نفوذ کرد و حسادت ها و کینه های دیگران نیز راه را برای جولان این ابلیس خطرناک گشود. آن زمان ۱۷ سال از زندگی آرام و شیرین من و «سحرناز» می گذشت و ما با داشتن ۲ فرزند دختر و پسر بهترین دوران زندگی مان را می گذراندیم و هر دوی ما کارمند و از نظر مالی نیز در رفاه بودیم، اما دیگران که نمی توانستند آرامش و راحتی ما را ببینند دست به کار شدند و شرایط را طوری فراهم کردند که ما نسبت به یکدیگر بدبین شدیم به طور مثال زنی با پوشش نامناسب نزد من می فرستادند و همزمان به همسرم اطلاع می دادند که همسرت با زنان خیابانی ارتباط دارد. وقتی همسرم این موضوعات را مطرح می کرد و مدعی می شد با چشمان خودش ارتباط مرا دیده است من هم عصبانی می شدم و برای تحقیر او سعی می کردم با برخی از زنان آشنا شوم. این کشمکش ها به جایی رسید که من هم سعی کردم برای شکستن شخصیت او و فرار از تهمت هایش کارهای زشتی را به او نسبت بدهم. این در حالی بود که دخترم در ۱۵ سالگی قرار داشت و به خاطر درگیری های ما به دختری افسرده و گوشه گیر تبدیل شده بود. بالاخره پس از ۲ سال درگیری و دروغ و تهمت از یکدیگر جدا شدیم و من برای آن که به سحرناز ثابت کنم زنان زیادی آرزوی در کنار من بودن را دارند بلافاصله ازدواج کردم و فرزندانم را به مادرشان سپردم. اما سحرناز هم به خاطر لجبازی با من در مدت کوتاهی بعد از من با مرد دیگری ازدواج کرد و فرزندانم را نزد مادربزرگشان فرستاد. دیگر هر کدام در زندگی خود غرق شدیم به طوری که فرزندانمان را فراموش کردیم. تا این که چند ماه قبل متوجه شدم دخترم با پسران زیادی رابطه نامشروع دارد و معتاد شده است. هر چه تلاش کردم نتوانستم او را به سوی خودم جذب کنم. حتی از طریق دختر خاله اش فهمیدم با مادرش نیز رابطه ای ندارد و او را کتک زده است. حالا هم نه تنها، آشکارا سیگار می کشد بلکه مدام چرت می زند و برخی شب ها نیز به خانه نمی آید. حالا مانده ام که...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

گرگ به ۲ کودک در رزن

گرگی ۲ بار به ۲ کودک خردسال در روستای عمان از توابع بخش قروه در جزین شهرستان رزن حمله کرد. رئیس اداره حفاظت محیط زیست رزن روز گذشته در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: یک خانواده در باغ های اطراف روستای عمان در حال استراحت بودند و دختر هفت ساله آن ها کمی دورتر در حال بازی بود. جوادنوری ظهر اضافه کرد: در این حین ناگهان یک قلاده گرگ به دختر نزدیک شد و با گرفتن گردن دختر اقدام به فرار کرد که اعضای خانواده اقدام به تعقیب گرگ کردند. وی افزود: پس از طی مسافتی گرگ به علت خستگی کودک را روی زمین قرار می دهد و سپس از ناحیه پهلو آن را به دندان می گیرد و فرار می کند. وی بیان کرد: در نوبت سوم، بعد از این که گرگ کودک را به زمین می گذارد خانواده دختر خردسال با سرعت به وی نزدیک می شوند که گرگ مجبور به فرار می شود. زال پور اضافه کرد: دختر مجروح توسط اعضای خانواده به بیمارستان ولیعصر رزن منتقل و در این بیمارستان بستری می شود. وی گفت: همچنین در نوبت بعد از ظهر همین روز گرگ به یک کودک در روستای عمان حمله و با پنجه خود به پشت کودک ضربه وارد می کند. وی اضافه کرد: با حضور بهنگام خانواده، گرگ بدون وارد کردن آسیبی به پسر خردسال، از محل متواری می شود.

دزد بازار طلافروشان در دام پلیس

توکلی- سارق کش رو زن مغازه طلافروشی که اقدام به سرقت ۳ عدد انگشتر طلا کرده بود در کمتر از یک ساعت دستگیر شد. به گفته رئیس کلانتری ۱۱ شهر کرمان در پی اعلام گزارش یک فقره کش روزنی از یک مغازه در بازار طلافروشان مأموران با بازبینی و پایش تصویری بازار و انجام یک سری اقدامات اطلاعاتی و پلیسی سارق را شناسایی و دستگیر کردند. سرهنگ آرامون با اشاره با بازدید بدنی اولیه از متهم و کشف اموال مسروقه افزود: سارق که با شواهد موجود چاره ای جز بیان حقیقت نداشت به کش روزنی سه عدد انگشتر طلا از مغازه طلافروشی اعتراف کرد.

کشف ۱۷ فقره سرقت در طرح دو ساعته پلیس

با دستگیری ۲ سارق حرفه ای در مشهد، آنها به ۱۷ فقره سرقت اعتراف کردند. به گزارش پایگاه خبری پلیس، فرمانده انتظامی مشهد با اعلام این خبر گفت: مرحله دیگری از طرح تشدید مبارزه با سرقت های خیابانی با توجه به گزارش های جیب بری و دستبرد به وسایل داخل خودروهای سواری در هسته مرکزی شهر مشهد به اجرا در آمد. سرهنگ محمد بوستانی افزود: تیم های دایره آگاهی کلانتری ۱۲ مشهد با تحقیقات علمی به سرنخ هایی دست یافتند که منجر به چهره زنی و شناسایی دو عامل اصلی این سرقت ها شد. وی خاطرنشان کرد: پلیس در مأموریت ضربتی خود جوان ۳۳ ساله ای که از عابران پیاده در خیابان های شلوغ مشهد جیب بری می کرد را در حال ارتکاب سرقت به دام انداختند. وی گفت: متهم که غافلگیر شده بود در تحقیقات اولیه به بیش از ۱۰ فقره جیب بری اعتراف کرد و تحقیقات برای کشف دیگر سرقت های انجام شده توسط او ادامه دارد. فرمانده انتظامی مشهد افزود: مأموران کلانتری ۱۲ مشهد در این عملیات دو ساعته، مرد ۵۰ ساله ای که دارای سوابق کیفری است و از عاملان اصلی سرقت وسایل داخل خودروهای سواری بود را نیز شناسایی و دستگیر کردند. وی افزود: این متهم تاکنون به ۷ فقره سرقت اعتراف کرده و برای کشف دیگر سرقت های انجام شده توسط او تحقیقات پرونده ادامه دارد.